

از پیش‌برگزیدگی و اعمال انسان نویسنده: جیمز ان. اندرسون

افسانه‌ی ادیپوس اغلب نمونه‌ی کلاسیک تقدیرگرایی یونان تلقی می‌شود. قهرمان داستان با یک پیشگو در مورد تردیدهای خود در نسبت به اصل و نسب خود مشورت می‌کند و آن پیشگو اظهار می‌دارد که برای او مقدر شده‌است که پدرش را به قتل برساند و با مادر خویش ازدواج کند. اگرچه ادیپوس این پیشگویی ناپسند را رد می‌کند، اما وقایع بی‌رحمانه‌ای برای تحقق آن پی در پی رخ می‌دهند تا موجب تحقق آن شوند. و تمام تلاش‌های ادیپوس برای فرار از سرنوشت خویش بی‌نتیجه است.

آموزه‌های اصلاح‌یافته یا کلونیستی مشیت الهی و از پیش‌برگزیدگی اغلب متهم به تقدیرگرایی می‌شوند. با این حال دیدن تشابه در میان مشخصه‌های موجود بر اساس برخی سردرگمی‌های عمیق انجام می‌شود. دیدگاه کلونیزم به‌طور قطع تصدیق می‌کند که تمام رویدادها در خلقت توسط خداوند مقدر شده‌اند. آن‌گونه که اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر بیان می‌کند، "خداوند، از ازل از طریق مصلحت حکیمانه و قصد کاملاً مقدس خود، به‌طور آزاد و غیر قابل تغییر، هرچیزی را که به‌وقوع می‌پیوندد مقدر فرموده است." (۱.۳). با این‌وجود، اعتقادنامه بلافاصله اضافه می‌کند که این مقدر بودن به‌معنای پوچ بودن اراده‌ی مخلوقات خداوند نیست. برعکس، خداوند به‌طور معمول اهداف غایی خویش را از طریق علل ثانویه عملی می‌کند مانند عوامل انسانی یا فرآیندهای طبیعی. مثال‌های کتاب مقدس در مورد اینکه خداوند اعمال انسان را به اهداف خود هدایت می‌کند، شامل داستان یوسف (پیدایش ۴۵: ۵-۸ ؛ ۵۰: ۲۰)، غلبه‌ی آشوریان بر پادشاهی اسرائیل (اشعیا ۱۰: ۵-۱۱) و مصلوب شدن خداوند عیسی مسیح (اعمال رسولان ۴: ۲۷-۲۸) است.

بنابراین، چگونه، کلونیزم متفاوت از تقدیرگرایی است؟ آیا نباید یک کلونیزم بپذیرد که خیانت یهودا به عیسی سرنوشت او بوده (یوحنا ۱۷: ۱۲ ؛ اعمال رسولان ۱۶: ۱) درست همان‌گونه که سرنوشت بود ادیپوس جان پدرش را بگیرد؟ باید در ابتدا توجه کنیم "تقدیر" در دوران باستان به‌عنوان نیرو و یا اصلی غیر شخصی درک شده‌است که به یک میزان در مورد انسان‌ها و خدایان صدق می‌کرد. از آنجا که یونانیان در شناخت یک خالق شخصی متعال ناکام ماندند، بنابراین فاقد هرگونه تصور از خداوندی حاکم بودند که تمامی چیزها را به غایت مقدس خود هدایت می‌کند. برای یک بت‌پرست تقدیرگرا، چیزی به عنوان دست مشیت الهی، یا طرح کلی خداوند وجود ندارد. هیچ نظم و دلیلی برای نتایج مقدرشده وجود ندارد. جهان صحنه‌ی نمایشی از بیهودگی و تراژدی است. این را مقایسه کنید با جهان‌بینی کتاب مقدس، که بر طبق آن خداوند "همه‌ی چیزها را موافق رأی اراده‌ی خود می‌کند." (افسسیان ۱: ۱۱) و "همه‌ی چیزها برای خیریت آنانی که به‌حسب اراده‌ی او خوانده شده‌اند با هم در کار می‌باشند." (رومیان ۸: ۲۸).

دومین تفاوت عمده بین کلونیزم و تقدیرگرایی پیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. کلونیزم معتقد است که خداوند نه تنها غایت - نتایج نهایی رویدادها - را مشخص می‌کند بلکه وسایطی را نیز برای رسیدن به آن غایت مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، در مشیت خداوند، وسایط هماهنگ با غایت هستند به گونه‌ای که غایت به وسایط وابسته است. بنابراین، خداوند صرفاً مقدر نمود که یوسف نفر دوم قدرت نسبت به فرعون باشد؛ او تمام مجموعه رویدادها را که منجر به این نتیجه می‌شدند مقرر نمود، از جمله اقدامات ناشایست برادران یوسف. نباید تصور کنیم که خداوند برنامه‌ریزی نمود که یوسف آنچنان مورد توجه فرعون قرار گیرد بدون اینکه در نظر بگیرد چگونه برادرانش با او رفتار کردند.

تقدیرگرایی، از سوی دیگر، تمایل به تفکیک غایت از وسایط دارد. اظهار می‌کند که زندگانی ما به شیوه‌ای خاص بدون توجه به کاری که انجام می‌دهیم پیش خواهد رفت. یک مثال معاصر از مجموعه فیلم‌های اخیر ارائه شده است که در آن گروهی از افراد در ابتدا از مرگ می‌گریزند، اما در ادامه مشخص می‌شود فرار آنها همیشه کوتاه مدت است. فرشته‌ی مرگ سرانجام هر یک از آنها را با وجود تلاش این افراد برای اجتناب از داس او به چنگ می‌آورد. تقدیرگرایی خاطرنشان می‌کند که اعمال ما در حقیقت بی‌اثر هستند؛ این اعمال هیچ‌گونه تفاوت عملی در نتیجه ایجاد نمی‌کنند. با این حال این ایده کاملاً با آموزه‌ی اصلاح‌یافته‌ی مشیت الهی بیگانه است. نتایج آینده‌ی ما یقیناً بستگی به انتخاب‌هایی دارد که در این زندگی اتخاذ می‌کنیم.

هیچ‌گونه تناقضی در تأیید این دو مورد وجود ندارد که نتایج آینده قطعاً بستگی به انتخاب‌های ما دارند و اینکه خداوند به صورت مطلق همه چیز را امر می‌کند، از جمله نتایج آینده و انتخاب‌هایی که منجر به آنها می‌شوند. بله، خداوند اعمال مخلوقات خود را مقدر می‌کند، اما او همچنین مقرر می‌کند که اعمال آنها پیامدهای قابل توجهی داشته باشد.

یک مثال ورزشی ممکن است به شفافیت موضوع کمک کند. تصور کنید در حال انجام یک مرحله بازی گلف با دوست خود یعقوب هستید، کسی که عادت به درهم آمیختن کلونیزم و تقدیرگرایی دارد. در مرحله‌ی پنجم، شما ضربه‌ی بلند خوبی به سوی منطقه‌ی چمن کوتاه می‌زنید. توپ دقیقاً در محوطه‌ی سبز کنار حفره فرود می‌آید و پیروزمندانه با ضربه‌ای مستقیم به داخل حفره می‌غلطد.

به جای تبریک به شما، یعقوب نیشخندی شیطنت‌آمیز بر چهره دارد. "شما یک کلونیزست هستید، درست است؟" شما پاسخ می‌دهید، "بله البته"، کنجکاو هستید بشنوید که این بحث به کجا می‌رسد. "بنابراین عقیده دارید که خدا همه‌ی چیزها را از ازل مقدر کرده است، از جمله آن ضربه‌ی مستقیم به حفره. با این حساب، اگر خدا این را مقدر کرده باشد، واقعاً اهمیتی ندارد که چطور به توپ ضربه بزنید. این ضربه مقدر شده بود که در هر صورت به حفره منتهی شود."

یعقوب آنقدرها هم که فکر می‌کند باهوش نیست. با استدلال مبهم او توپ داخل حفره فرود می‌آمد حتی اگر شما هرگز به آن ضربه نمی‌زدید. اما این واقعا مضحک است. ضربه‌ی مستقیم به حفره به ضربه‌ی شما- ضربه‌ی خوب زدن-وابسته بود. کلونیست با درک درست خواهد گفت که خداوند نه‌تنها ضربه‌ی مستقیم به حفره را مقدر کرده‌است بلکه همچنین رخ دادن آن به‌عنوان نتیجه‌ی ضربه‌ی دقیق شما به توپ را نیز مقدر نموده‌است. ضربه‌ی دقیق شما واقعا دارای اهمیت بوده.

این یک موشکافی فلسفی نیست. تمایز بین کلونیزم و تقدیرگرایی نتایج بسیار چشمگیری در زندگی مسیحی دارد. این بدان معناست که دعا‌های ما واقعا تفاوت ایجاد می‌کند، زیرا که خداوند مقرر نموده‌است که رویدادهای آینده در پاسخ به دعا‌های ما رخ دهند. این بدان معناست که بشارت دادن ضروری است، زیرا خداوند امر کرده‌است که برگزیدگان او با شنیدن و ایمان آوردن به انجیل نجات یابند. این به آن معنی است که ما باید بیشتر جدّ و جهد کنیم تا دعوت و برگزیدگی خود را ثابت نماییم (دوم پطرس ۱: ۱۰)، زیرا گرچه شبان هیچ یک از گوسفندان خویش را از دست نخواهد داد، اما آن گوسفندان سرانجام نجات می‌یابند فقط در صورتی که تا انتها ایمان خود را حفظ کنند.

با درک این نکته که خداوند هر دو مورد وسایط و غایت را مقرر می‌کند، کلونیست‌ها می‌توانند به درستی بگویند: "اگر ما انجیل را به اشتراک نمی‌گذاشتیم، آنها آن را نمی‌شنیدند؛ اگر در ایمان ثابت قدم نباشیم، تاج حیات را دریافت نخواهیم کرد". اما در عین حال، کلونیست‌ها اعتبار نهایی برای همه چیز را به حاکمیت فیض خداوند نسبت می‌دهند.

دکتر جیمز ان. اندرسون، کارل دبلیو مک‌موری استاد الهیات و فلسفه در دانشکده‌ی الهیات اصلاح‌شده در شارلوت، نیویورک است و به‌عنوان سرپرست منصوب در کلیسای اصلاح‌یافته‌ی پرزبیتترین خدمت می‌نماید. او معلم برجسته‌ی مجموعه تعلیمی کاوش در اسلام، مجموعه‌ای از خدمات لیگونیر و نویسنده‌ی کتاب *What's Your Worldvie?* می‌باشد.

این مقاله در مجله تیل تاک منتشر شده‌است.